

إِتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ
تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
مَا تَصْنَعُونَ

ترجمه الله سبحان احد فرمود: آنچه از کتاب قرآن وحی منزل آسمانی بسوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز انسان کارزشت و ناپسند باز میدارد؛ و قطعاً ذکر یاد الله بالاتر است؛ هرکاری و عملی را که انجام میدهد الله میداند؛ آگاه است

إِتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾ (قرآن کریم سورة اعنكبوت)

شعار درباره نماز

سبب عزت موجود نماز است و نماز = زینت در گه معبود است و نماز و نماز
 بی نماز از نظر لطف خدا محروم است = شرع را مقصد و مقصود نماز است و نماز
 پیش سلطان همه کس تحفه لایق ببرد = تحفه بر حضرت معبود نماز است و نماز
 روز میزان عمل موقع دیوان حساب = قاضی و شاهد و مشهود نماز است و نماز
 گفتم ای عقل ز طاعت همگی افضل چیست = عقل یکبار بفرمود نماز است و نماز
 روز و شب گریه حسین ابن علی گریه کنی = شرط اول که دهد سود نماز است و نماز
 همه وقت در حرم او به زیارت باشی = شرط لازم بنجات ناب نماز است و نماز
 هان حسین روز جزاء دشمن ضال بی نماز = خصم طاغوت و ابلیس نماز است و نماز

شیطان که رانده کشت به جزیک خطا نکرد = خود را برای سجده آدم رضات کرد
 شیطان هزار مرتبه بهتر ز بی نما = آن سجده را بر آدم و این برخدان کرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطالب درباره چگونگی وضوء و نماز

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتُمْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿۱۱۰﴾ (قرآن کریم سوره الاسراء آیه ۱۱۰)

ترجمه سحان احد فرمود: الله را بخوانید یا رحمان را بخوانید هر کدام را بخوانید برای
 الله نامهای نیکوتر است و نمازت را با صدای بلند (فریاد) بخوان؛ و بسیار آهسته اش

(مخفیانه) مکن؛ میان این دوراهی میانه بجوی کنید (یعنی همان طوریکه صحبت میکنید نماز را همان طور بخوانید)

تفسیر تایشی از قرآن درباره

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَدْعُوا الرَّحْمَنَ أَيَّامَاتَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تَخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۱۰۱) (قرآن کریم سوره الاسراء آیه ۱۱۰)

ترجمه: بگو الله را بخوانید و یا رحمن را بخوانید؛ هر کدام را که بخوانید برای او است نامهای نیک؛ و نمازت را بلند و آشکار مکن و زیاد آن را آهسته مخوان و راهی بین آن بجوی!

تفسیر؛ و جمله: لا تجهر... دلالت دارد که باید در نماز و دعاء فریاد نکرد و بقرینه مقابله آن با لاتخافت بها؛ استفاده میشود که جهر کمی جائز و از بین بین است و معنی لاتخافت بها؛ اینست که زیاد مخفیانه خدا را نخواند و نماز را طوری قرائت نکند که گوش خودش بلکه بین بین مراعات کند نه زیاد باشد صوت او و نه کم که خودش نشنود!

درباره چونگی وضوء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾ (قرآن کریم سوره المائدة آیه ۶)

ترجمه: الله سبحانه احد فرمود؛ ای کسانی که ایمان آورده اید وقتیکه به عزم نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید و سردوپاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هر دو پا را مسح کنید؛ و اگر جنب اید خود را پاک کنید غسل نمایید و اگر بیماریا در سفر بودید؛ یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا بازنان نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن بصورت و دستهایتان بکشید الله نیکو خواهد بر شما تنگ بگیرد لیکن میخواید شمارا پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند باشد که الله را سپاس بدارید!!!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ (از قرآن کریم از سوره المائدة آیه ۶)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید وقتیکه به عزم نماز برخیزید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید و قسمتی از سردوپاهای خودتان را تا بر دو کعب پیشین هر دو پا مسح کنید!!!

رنکاتی از مؤلف: وَاْمَسَحُوا؛ فعل برء و سِكُمْ؛ وَاْرْجُلَكُمْ می باشد؛ و؛ و؛ عطف است؛ بِر وَاْمَسَحُوا؛ زیرا که فعل قبل از و است؛ و فعل نمیتواند فعل خود وَاْمَسَحُوا را رها کند؛ باید از فعل خود اطاعة کند؛ بنابراین در آیه مسح هم بسراست و هم بدو پا است!

تفسیر تابی از قرآن درباره وضوء؛ مؤلف سید ابولفضل علامه برقی
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ (از قرآن کریم از سوره المائدة آیه ۶)

ترجمه: ای مؤمنین چون بنماز برخیزید بشوید صورتها و دستهای خود و دستهای خود را تا بکعبین و پاهایتان تا بکعبین مسح کنید!

نظریه دашمندان بسیار بزرگ اهل سنت درباره وضوء

از جمله مهمترین اختلافات بین دو فرقه به اصطلاح سنی و شیعه امروز در عبادات وضوء است که در آن مسح یا غسل رجلین است؛ یعنی شستن دو پا در وضوء که اهل سنت بدان عمل میکنند؛ یا مسح دو پا که تا بعین فقه اهل شیعه انجام میدهد! این حکم را قبل از همه از کتاب الله (قرآن کریم) که بزرگترین دلیل و حجت بر عموم مسلمانان است جستجو میکنیم: در قرآن کریم در سوره (المائدة) آیه شش میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ (از قرآن کریم از سوره المائدة آیه ٦)

ترجمه ظاهر فارسی آن چنین است: ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامیکه برای نماز برخاستید صورتها و دستهای خود را تا مرفقها بشوئید بسرهایتان مسح کنید و پاهایتان را تا دو کعب مسح کنید!!!

برای اینکه در تفسیر این آیه شریفه هیچگونه اظهار نظر از خود نکرده باشیم قلم را بدست بزرگترین دانشمندان اهل سنت که میتوان گفت: مادر تاریخ اسلام از دانتون در این عالم نمیشناسیم و محکمتر از تفسیر او در دست نداریم میدهیم:

این شخص بزرگ امام فخرالدین محمد بن ضیاءالدین عمر معروف به فخر رازی است که هر کس اندک اطلاع از مفسرین قرآن داشته باشد او را میشناسد و تفنن تبخیر او را در این علم و تعصب و تصلب او را در مذهب اهل سنت میداند!!!

مادر مسئله وضوء تنها موضوع غسل رجلین را که ظاهر بزرگترین اختلاف در این مسئله است از تفسیر او به قضاوت میگذاریم: وی در تفسیر کبیر خود موسوم بمفاتیح الغیب در جلد سوم آن ص ۳۸۰ چاپ سال ۱۳۰۸ قمری مصر چنین مینویسد: المسئلة التامنة والثلاثين؛ اختلف الناس في مسح الرجلين وغسلها . . .

ما فقط ترجمه فارسی عبارات او را با حفظ امانت در اینجا می آوریم و هر کس طالب اصل عبارات باشد میتواند بخود آن تفسیر مراجعه نماید!!!

مسئله ۳۸: مردم در مسح پا و شستن آنها اختلاف دارند؛ قال در تفسیر خود از ابن عباس و انس بن مالک و عکرمه شعبی و ابی جعفر امام محمد باقر واجب بودن مسح را در دوپا نقل کرده است؛ اما جمهور فقها و مفسرین شستن را در آنها فرض میدانند! داود اصفهانی جمع بین شستن و مسح کردن را واجب میداند این عقیده ناصرالحق است؛ که یکی از امامان زیدیه است! اما حسن بصری و محمد بن جریر طبری مکلف را بین مسح کشیدن و شستن را مخیر میدانند!

حجت و دلیل کسانی که قائل بوجوب مسح میباشند؛ مبنی برد و قرائت در فرموده الله (وارجلکم) میباشد زیرا که ابن کثیر و حمزه و ابو عمرو و عاصم بنا بر قرائت ابو بکر بجر (ارجلکم) خوانده اند؛ اما نافع و ابن عمرو بنا بر روایت حفص عاصم نیز آن را بنصب خوانده اند!!!

مامیگوئیم: اما قرائت بجر اقتضای اینست که کلمه (ارجل) معطوف بر کلمه (رؤس) باشد پس همچنانکه مسح بر سر واجب است؛ همچنین مسح در پاها نیز واجب است! پس اگر گفته شود چرا جایز نباشد؛ که شود این کسر بر جواز است! میگوئیم: این از چند جهت باطل است! اول اینکه کسر بر جوار معدود در لحنی است؛ که گاهی بجهت ضرورت شعر آن را متحمل میشوند لکن واجب است که کلام الله را از چنین قاعده ای تنزیه کنیم (زیرا که آن شعر نیست که قواعد شعری را در باره آن متحمل شویم) دوم آنکه قاعده کسر جوار را در وقتی بکار میبریم که امن از التباس حاصل شود در این آیه امن از التباس حاصل نسیت!!!

سوم اینکه کسر جوار بدون حرف عطف است؛ و با وجود حرف عطف (که در این جمله است) هیچ عربی بدان تکلم نکرده است؛ و اما قرائت نصب: میگویند: آن نیز

مسح را واجب میکند؛ و این بجهت فرمایش الله (و امسحوا بر رؤسکم) میباشد زیرا که رؤسکم در محل نصب است؛ ولیکن بجهت بقاء مجرور شده است! پس هرگاه ارجل عطف بر رؤس باشد جایز است؛ که در ارجل نیز نصب قائل شویم؛ بنابراین عطف بودن بر محل رؤس! زیرا که رؤس در محل نصب است؛ و اینکه رؤس جر شده عطف بر ظاهر است؛ و این خود در بین نحویین مذهب مشهوری است)

پس چون این قول ثابت شد ظاهر میشود که جایز است عامل نصب در فرموده الله (وارجلکم) همان فرمایش الله (وامسحوا) باشد؛ و نیز جایز است و غسلوا باشد لیکن هر گاه دو عامل (نصب و جر) بر معمول واحد جمع شوند اولی آن است که اقرب را شامل شود و اقرب اعمال نفوذ نماید (و چون در اینجا عامل اقرب و امسحوا است پس باید فقط آن عمل کند) پس واجب میناید که عامل نصب در فرموده الله (وارجلکم) همان فرمایش الله (وامسحوا) باشد! پس ثابت شد که در قرائت و ارجلکم بنصب لام با هم مسح واجب میشود! این وجه استدلال به این در خصوص وجوب مسح است فخر رازی ادمه داده میگوید: آنگاه گفته اند جایز نیست که در شستن پا به اخبار عمل نمایند (چون دلیل قائلین فقط اخبار است) زیرا تمام این اخبار از باب اخبار احاد است؛ و هرگز نسخ قرآن بخبر واحد جایز نیست!!!

سپس فخر رازی بعلاج پرداخته مینویسد آنچه فارسی عبارات آن چنین است؛ بدانکه ممکن نیست جواب این حقیقت را داد مگر از دو صورت:

اول اینکه اخبار بسیاری هست که ایجاب شستن پارامورث میشود؛ و شستن مشتمل بر مسح نیز میباشد؛ و بعکس نمیشود؛ و شستن به احتیاط نزدیکتر است! پس لازم است که بطرف شستن رفت؛ و بنا بر این صورت لازم میشود که صد آمدنودهم در نزد ما است) دوم اینکه فرض دوپا محدود بدو کعب است و تحدید فقط در شستن آمده است؛ نه در مسح کردن! یعنی چون در شستن دستها دست محدود به مرفق شده است!

پس پاها هم محدود به کعبین شده است باید این تجدید بجهت شستن باشد! اما قائلین بمرسح از این دو تمسک هم بدو؛ وجه جواب میدهد: اول اینکه کعب عبارت از استخوانی است در زیر مفصل قدم است؛ و بنابراین تقدیر مسح واجب میشود؛ پشت قدمها دوم اینکه آنها هم تسلیم میشوند به اینکه دو کعب عبارت از دو استخوانی است که در این طرف و آن طرف ساق است؛ جز اینکه الزام میکنند که واجب است پشت قدمها را تا این دو موضع مسح کشید! پس در این صورت جای سوألی باقی نمیماند (و بر دوپا فقط مسح است)!

پس به عقیده و نظر فخر رازی که میتوان گفت: دانشمندترین علمای تفسیر از اهل سنت است؛ آیه شریفه دلالت بر مسح دوپا دارد نه بر شستن آنها!

۲- قدیمترین مفسرین اهل سنت محمد جریر الطبری متوفای سال ۳۱۰ قمری که در علم الحدیث و تاریخ و تفسیر و فقه و سایر علوم از نوابغ رجال علوم اسلامی است در تفسیر خود جلد ششم ص ۱۲۶ چنین مینویسد:

القول فی تأویل قوله عزذکره (وارجلکم الی الکعبین) آنگاه به اختلاف قرائت قراء پرداخت و دلائل طرفین و احادیثی که طرفین بدان تمسک میجویند آورده است؛ تا سر انجام در ص ۱۳۰ مینویسد: والصواب من القول عندنا فی ذالک انّ الله امر بعموم مسح الرجلین بالماء فی الوضوء كما امر بعموم مسح الوجه بالتراب فی التیمم تا آنجا که مینویسد: فین صواب القرائین جمیعاً عنی النصب فی الارجل والخفض لان عموم الرجلین بمسحهما بالماء فی امر الید وما قام الید علیهما مسحهما؛ تا آنجا که مینویسد و امسحوا برؤسکم بالعطف به علی الرؤس مع قربه منه اولی من العطف به علی الایدی و قد حیل بینہ و بینہما بقول و امسحوا برؤسکم؛ خلاصه نظر طبری نیز در قرائت آیه شریفه نزدیک به عقیده فخر رازی و در مسح و غسل پانیز قائل بمرسح است!

۳- احمد بن علی الرازی معروف به جصاص که از مبرزین دانشمندان این طائفه در علم تفسیر است! وی که قریب سه قرن مقدم تر از فخر رازی است؛ یعنی متوفای سال ۳۷۰ هجری قمری است؛ در احکام القرآن خود که از کتب گرانقدر اهل سنت است در جلد دوم ص ۳۴۵ مینویسد قال الله تعالی: و امسحوا برؤسکم و ارجلکم الی الکعبین قال ابوبکر قرأ ابن عباس والحسن وعكرمة وحمزة وابن كثير وارجلكم بالخفض تأولوها بالمسح! یعنی این آیه را ابن عباس و حسن بصری و عکرمة و ابن کثیر و حمزه از قراء سبعه (و ارجلکم) خوانده اند و آن را بمسح تأویل کرده اند آنگاه در دنبال این مطلب مینویسد: و لا یختلف اهل القرائة ان کل واحدة من القرائین محتملة المسح بعطفها علی الرأس؛ یعنی قاریان قرآن هیچ اختلاف ندارند که هر یک از دو قرائت چه بنصب و چه بجر (ارجلکم) متحمل بمسح است برای اینکه ارجلکم عطف است بر رؤسکم (و همان حکم در این جاری است) گرچه او دست و پامیزند که با حدیث شستن پا را ثابت کند؛ بهمین جهت احادیث ضد و نقض می آورد! لکن مقصود ما در اینجا تفسیر آیه شریفه است که علی رغم میلش ناچار شده که اقرار کند که قرآن مسح پاها را می خواهد به غسل آنها را!!!

۴- دیگر از تفاسیر مهمه اهل سنت تفسیر امام ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی معروف بتفسیر قرطبی است او در جلد ششم تفسیر خود ص ۸۶ در خصوص مسح سر در موضوعیازده قول می آورد که فعلاً به آن نمیپردازیم چون در مسح سر چندان اختلافی نیست! در ص ۹۱ همین جلد بعد از کلمه (و ارجلکم) مینویسد قراء الحسن والاعمش . . .

میگوید: بجهت همین اختلاف در قرائت‌ها صحابه و تابعین در مسئله مسح یا شستن پا در اختلاف افتاده اند آنگاه از ابن عباس نقل میکند که او می گفت: الوضوء غسلتان و

مسح‌تان؛ یعنی وضوء دو شستن و دوسمخ کشیدن است سپس درص ۹۶ داستان خطبه حجاج را آورده است؛ که حجاج بن یوسف ثقفی که بدترین ظالمان و فاسقان این امت است؛ دراهواز خطبه ای خواند و وضوء را یاد آورشد آنگاه آیه وضوء را خواند و گفت: در فرزند آدم هیچ چیز خبیث تر از دو قدمش نیست! پس باطن و ظاهر دو قدم از پاشنه های آن را بشوئید! در این هنگام مالک بن انس که صحابی و خادم رسول امین بود؛ چون گفته حجاج را شنید گفت: صدق الله و کذب الحجاج؛ قال الله تعالی و امسحوا برؤسکم و ارجلکم! یعنی راست گفت: الله و حجاج دروغ گفت: الله می فرماید: سرها و پاهایتان را مسح کنید (و حجاج میگوید بشوئید) و انس همینکه پاهای خود را مسح میکرد آنها را ترمینمود!

سپس نوشته است عکرمة نیز که در همین زمان بوده پاهای خود را در وضوء مسح میکرد و میگفت: دو پاشستن نیست والله فقط در این مورد آیه مسح را نازل فرمود است! داستان خطبه حجاج در بسیاری از کتب تواریخ و تفاسیر آمده است؛ چنانکه طبری نیز آن را در تفسیر خود ص ۲۸۱ جلد ۶ آورده است!

نکاتی از مؤلف: با این بیان معلوم میشود که طرفدارن؛ مروجین شستن پاچه کسانی بودند اند؟! و این عمل ظاهر اجزیه مخالفت با اهل تابعین قرآن که عدیل آن هستند صورت نمیگرفته است! و بهمین جهت است که می بینیم پس از آنکه قرنها به این سنت ظالمانه عمل شده است؛ علمای سنت با اینکه خود اقرار میکنند که آیه شریفه دلالت بر مسح دارد؛ مع هذا دست و پامیزند تا اینکه بوسیله اخبار کذائی و استحسانات خود را با شستن پا تطبیق کنند تا بارای امثال حجاج درست آید!!!

آنگاه قرطبی از قول شعبی آورده است؛ که نزل جبرئیل بر حکم بمسح نارل شده است که پاهارا مسح کنند مگر نمی بینید که در تیمم آنچه را که باید در وضوء شست مسح میکنند ملغی میشود! یعنی سروهارا تیمم نمیکنند!

وقتاده نیز از مفسیرین است میگفت (افترض الله غسلتین ومسحتین) یعنی الله در وضوء دوشستن ودو مسح را واجب فرموده است!

۵- در تفسیر ابولفداء اسمعیل بن کثیر القرشی متوفای سال ۷۷۴ قمری همین مطلب تکرار شده است! وی در جلد دوم ص ۲۵ و ص ۲۸ از اوس بن ابی اوس روایت کرده است که او گفت: رسول الله را دیدم که به منزلگاه قبیله ای آمده بود بول کرد و وضوء گرفت مسح بر نعلین ودو قدم خود نمود!

و از مجاهد روایت نموده است که جریر بن عبدالله لبجلی که از اصحاب رسول الله است میگفت: من بعد از نزل سوره مائده (که آیه وضوء در آن است) مسلمان شدم و میدیدم که رسول الله بعد از مسلمان من مسح میکرد (وَأَنْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ بِمَسْحٍ بَعْدَ اسْلَمْتِ)

۶- دار فطنی در سنن خود ص ۸۲ جلد ۱ از عبد الله بن یزید روایت میکند که گفت: رأیت رسول الله (ص) توضع غسل وجهه ثلاثاً ویدیه مرتبین و مسح برأسه ورجلیه مرتین! در این حدیث نیز رسول الله برپاهای خود مسح میکرد!!!

۷- در کتاب الاحکام فی اصول الاحکام شیخ ابراهیم حلبی حنفی ص ۱۳۲ جلد ۲ در تفسیر آیه شریفه مینویسد: قرأ فی السبعه ۰۰ یعنی در قرائت سبه؛ ار جلکم را ینصب وجر خوانده اند و مشهور آن است؛ که بنصب است به عطف علی وجوهکم ۰۰۰ سپس وطلب را دنبال کرده تا آنجا که میگوید: عطف ار جلکم بر وجوهکم ممتنع است بجهت فاصله ای که بین عاطف و معطوف علیه است، بجمله ای اجنبیه ای که در اینجاست و آن جمله (و امسحوا برؤسکم) میباشد در حالیکه اصل آن است که بین عاطف و معطوف حتی یک کلمه هم نباشد تا چه رسد که جمله ای در میان فاصله باشد و ما نشنیده ایم که شخص فصیحی بگوید: ضرب زیداً و مررت ببکرو عمرواً یعنی من زید را زدم و ببکرو عمرو مرور کردم و مقصود آن باشد که زید را زدم و هم

عمر و را! در حالیکه مرور بیکرد این میان فاصله است! و هیچ کس از این جمله نمی فهمد که عمرو نیز با زید زده شده است بلکه حال عمرو نیز در این جمله چون حال بکر است!

۸- علامه شیخ ابوالحسن محمد بن عبدالهادی السندی الحنفی در تعلیقاتش بر سنن این ماجه چنین مینویسد: ظاهر القرآن یقتضی المسح کما جاء عن ابن عباس یعنی ظاهر قرآن مسح را اقتضا مینماید چنانکه زابن عباس روایت شده است؛ آنگاه همان ادله فخر رازی را در قرائت نصب و جرأیه آورده نتیجه میگیرد که مراد از آیه شریفه مسح است!!!

۹- ابن جزم اندلس در کتاب المحلی ص ۶ ۵ جلد ۲ مینویسد: و اما قولنا فی الرجلین فان القرآن نزل المسح ۰۰۰ سپس مطلب را همانند فخر رازی دنبال کرده و نتیجه مسح دو پاها را میگیرد!

۱۰- تفسیر نیشابوری ص ۶ جلد ۲ مینویسد: اختلف الناس فی مسح الرجلین و فی غسلهما ۰۰۰ آنگاه همان عبارات و مطالب فخر رازی را می آورد و همان نتیجه را میگیرد که فخر رازی گرفته است!!!

۱۱- پس چنانکه می بینیم جل مفسرین اگر نگوییم: کل آنها معتقدند که آیه شریفه فقط دلالت دارد بر مسح پاها در وضوء؛ نبرشستن آنها؛ و امام بدرالدین محمد بن عبد الله زرکشی در کتاب گرانقدر خود البرهان فی علوم القرآن ص ۱۱۷ جلد ۲ در بیان محذوفات مینویسد: وقیل قوله (و امسحوا برؤسکم) ان الباء هنا اول كلمة (بعض) ثم حذف الباقي كقوله قلت لها قفى لنا قالت قاف؛ كفى بالسيف شا (ای شاهراً) و به قرأه بعضهم!!!

نکاتی از مؤالف: حال باید چه مرضی گریبانگیر کسانی است که آیات الهی قرآن را که بزرگترین نزل حجت و روشن ترین برهان بر کیفیت و صوء است؛ گذاشته هنوز دنبال کسانی که از ترس حجاج و عبدالملک و منصور و هرون الرشید و امثال اینان که منظورشان بستن درب خانه وحی و فرزندانشان او که شاخصترین افراد توحید و اهل قرآن بودند؛ مانند خود قرآن متروک و مهجور گذاشتند؛ صحابه اهل قرآن بودند که وضوء را بدستور الله انجام میدادند؛ و کسانی هم هستند؛ به عوض خواندن نماز سینه و زنجیر زنی و عزاداری باطل و شیپور و قره نی رقصی آواز خوانی میکنند؛ و خودشان پیروانمها طهارت و مسلمان خالص میدانند این راهم بنام دین بعمل می آورند عذر و حال ایشان در روز قیامت چگونه خواهد بود؟!

آنکه همکار است با شمر و سنان؛ نوحه خوان است؛ ارشه خوان است؛ روضه خوان

مَنْ بَكَ أَوْ أَبَكَ وَتَبَاكَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

در روز قیامت محمد (ص) رسول الله از اینطور انسانها پیشگاه الله شکایت خواهد کرد

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (از قرآن کریم از سوره الفرقان آیه ۳۰)

ترجمه: و محمد رسول در روز قیامت خواهد گفت: ای صاحب اختیار کل من الله؛ قوم

من این قرآن را متروک و مهجور کردند و بکنار گذاشتند!!!

مسح رجليں از نظر اخبار

پس چنانکه دیدم حجت و سند قائل بر شستن پاها در وضوء اخبار است؛ و گرنه از حیث آیات قرآن دستشان بجائی بند نیست! حال ببینیم که آیا اخبار اهل سنت در این مسئله بر شستن پامتفق است یا در آن نیز اختلاف و تناقض است؟!

بزرگ ترین و شاید قدیمترین کتب اخبار که در بین مسلمین در موضوع فقه در حد کامل اعتبار است! کتاب المصنف عبدالرزاق بن همام الصنعانی است که از علماء

ومحدثین بزرگزمان ائمه چهارگانه است زیرا آن جناب در سال ۱۲۶ متولد و در سال ۲۱۱ قمری فوت نموده است!

بنابر این زمان تمام ائمه اربعه را دریافته و با آنان همعصر بوده است! وی در کتاب پر رزش خود: المصنف ص ۱۸ جلد ۱ در مسئله ۵۲ چنین آورده است: عبدالرزاق عن قتاده عن عكرمه والحسن قالوا: هذه الآية يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم الى مرافق وامسحوا برؤسكم وارجلكم الى الكعبين قال تمسح الرجلين: یعنی عكرمه وحسن در تفسیر آیه شریفه وضوء گفته اند باید دوپارا مسح کنند!

مسئله ۵۴ از جابر بن یزید از عكرمه از ابن عباس روایت کرده است که ابن عباس گفته است: افترض الله غسلتين و مسحتين الا ترى انه ذكر التيمم فجعل مكان اغسلتين مسحتين وترک والمسحتين یعنی الله در وضوء دو شستن و دو مسح کردن را فرض فرموده است؛ مگر نمی بینی که الله ذکر تیمم را نیز فرموده و بجای دو شستن دو مسح کردن قرار داده و مسح در وضوء را در تیمم ترک فرموده است آنگاه آورده است که مردی بمطرو راق گفت: چکسی میگوید: باید پاها را مسح کرد؟! مطر گفت: فقهاء بسیاری چنین میگویند:

در مسئله ۵۵: چه کسی میگوید: عبدالرزاق از قول عكرمه قول ابن عباس را آورده است که میگفت: الوضوء غسلتان ومسحتان!

در مسئله ۵۶: عبدالرزاق عن ابن عيينه قال حدثنا اسمعيل بن ابي جابر عن الشعبي قال اما جبرئيل فقد نزل بالمشح على القدمين! آنگاه عبدالرزاق از ابن عباس نقل کرده که به امیر المؤمنین علی علیه السلام: کیقیت وضوء رسول الله را گفته اند و آنجا فرموده است: تأبی الناس الا الغسل ونجد فی کتاب الله تعالی المسخ علی القدمین یعنی تسلیم فرمان الله نیستند زیرا که مخالفین چنین دستور داده اند؟!!

- ۲- در تفسیر الدر المنثور سیوطی بیش از ده حدیث آورده است که در وضوء مسح بر پاهاست بصفحه ۲۶۲ جلد ۲ مراجعه شود!
- ۳- در کنز العمال حدیث ۲۲ از قرا عسبعه آورده؛ گفته است: یظهر ابن عباس التعجب من حال الناس حیث اخذوا خلاف ما یوجد فی کتاب الله؛ یعنی ابن عباس اظهار تعجب میکند از حال مردم که چرا خلاف آنچه را که در کتاب الله یافت میشود گرفته اند (یعنی وضوء بجای مسح پارا میشوند)
- ۴- در تفسیر ابوالفداء ص ۲۳ جلد ۲ وضوء امیر المؤمنین را که حکایت وضوء رسول الله را میکرد و پاهای خود مسح میکشید آورده است! و نیز حدیث عبدالله المازنی قاتل مسیلمه کذاب؛ مقتول قضیه حره را آورده است؛ که میگفت: إن النبی صلی الله علیه وآله توضأ فغسل وجهه ثلاثاً ویدیه مرتین ومسح رأسه ورجلیه مرتین!!!
- ۵- طبری در تفسیر خود نیز حدیث مسح رسول الله در وضوء بر نعلین؛ خدیفة المیان آورده!
- ۶- احمد بن حنبل در مسند خود ص ۹۵ و ص ۱۲۳ جلد ۱ و کنز العمال ص ۱۴۷ جلد ۵ از امیر المؤمنین علی علیه السلام آورده اند که: آنحضرت میفرمود: لوکان الدین بالرأی لکان باطن القدمین احق بالمسح من ظاهرهما حتی رأیت رسول الله (ص) یمسح ظاهرهما؛ یعنی اگر بسلیقه و رأی بود البته باطن دوپا سزاوارتر بود ب مسح کردن از ظاهر آنها تا آنگاه که رسول الله را دیدم که ظاهر دوپا را مسح میکند!!!
- ۷- از شافعی در کتاب الام ص ۲۴ جلد ۱ چنین آمده است: قال الشافی ان رسول الله (ص) علی ظهور قدمیه؛ یعنی رسول الله بر ظاهر دو قدم خود مسح میکرد!
- ۸- در سنن الکبری بیهقی ص ۷۲ جلد ۱ از محمد بن فضیل روایت میکند که حضرت زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام؛ او را فرستاده است تاریخ دختر معوذ پیر سده که رسول الله چگونه وضوء می گرفت؟! دختر معوذ وضوء رسول

الله را شرح می‌دهد تا آنجا که می‌گوید: که ابن عباس گفت: و در کتاب الله جز دوشستن و دو مسح کشیدن نیست؛ در این کتاب احادیث دیگر در همین باب است بصفحه ۷۴ و ۷۵ مراجعه شود!

۹- در صحیح بخاری حدیث عبدخیر که در آن امی المؤمنین و ضوع رسول الله را در مسح قدمین حکایت فرموده و بطور مفصل آورده است!

۱۰- در المحلی ابن حزم اندلسی ص ۶۵ جلد ۲ مینویسد: و قد قال المسح علی الرجلین جماعة من السلف . . . آنگاه نام آنانیکه قائل بمسح قدمین اند؛ همچون حضرت علی بن ابیطالب و ابن عباس و حسن بصیری و عکرمة و شعبی را آورده است که تا آنجا که از قائم بن رافع آورده است که انه سمع رسول الله (ص) يقول لا يجوز صلوة احدکم حتی یسبغ الوضوء كما امر الله ثم یغسل وجهه و یدیه الی المرفقین و یمسح رأسه و رجلیه الی الکعبین!

یعنی قائم بن رافع خود شنیده است که رسول الله (ص) می‌فرمود: نماز هیچکدام از شما جایز نیست تا اینکه وضوء کامل بگیری بهمان نحو که الله دستور داده است آنگاه خود رسول الله (ص) صورت خود را شست و دستهای خود را نیز تا دو مرفق شست و بسرو دو پای خود تا کعبین مسح کشید!

۱۱- در سنن دارقطنی علی بن عمر الدارقطنی متولید سال ۳۰۶ و متوفای سال ۳۸۵ قمری که از معتبرترین کتب حدیث و فقه اهل سنت است؛ در صفحه ۹۶ جلد اول این کتاب چاپ سال ۱۳۸۶ هجری از حجاج بن منهال از رفاعة بن مالک که از اصحاب بدر بوده داستانی روایت میکند که رسول الله (ص) مردی را دید که نماز می‌خواند هم‌نکه نمازش تمام شد بر رسول الله سلام کرد و همچنین بکسان دیگر! رسول الله به او فرمود و علیک ارجع فصل فانک لم تصل؛ برگرد و نماز بخوان که تو نماز خواندی آن مرد برگشت و نماز می‌خواند و ما زیر چشمی او را مینگریستیم و نمیدانستیم عیب

نماز او چیست؟! همینکه نمازش تمام شد از پیغمبر و دیگران سلام کرد باز پیغمبر الله به او فرمود؛ و علیک ارجع فصل فانک لم تصل؛ همام؛ راوی حدیث است میگوید: نمیدانم که پیغمبر الله آن مرد را دو مرتبه یا سه مرتبه به اعاده نماز امر فرمود: آن مرد گفت: مگر من چه کار کردم؟! زیرا که من نمیدانم در نماز من چه عیبی است؟! پیغمبر الله فرمود: انها لاتتم صلوة احدکم یسبع الوضوء کما امره الله فی غسل وجهه و یدیه الی المرفقین و یمسح برأسه و رجليه الی الکعبین؛ یعنی بدستیکه نماز هیچکدام شما ها تمام نیست تا اینکه وضوء کامل بگیرد آن چنانکه الله فرموده است؛ با این کیفیت که صورت خود را بشوید و دست خود را نیز تا دو مرفق بشوید؛ و بر سر خود و دوپاهای خود تا کعب مسح بکشد! آنچه از روح این حدیث برمیآید آن است؛ که عیب نماز شخص آن بوده است؛ که وضوء بی عیب نگرفته است؛ و وضوء بی در مسح رجلین است!!!

نکاتی از مؤلف: ما اگر میخواستیم احادیثی که در این باب از بزرگان؛ محدثین اهل در کتب از پیروان قرآن و سنت در آنها موجود است بیاوریم! کار بتطویل و تفصیل میکشید؛ با آنچه که تا اینجا آوردیم یقین داریم که برای اهل انصاف و مروّت و اهل علم و قلم کافی باشد؛ برای لجوج و عنود تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود هم کافی نیست! و در زیل این مطالب میخواستیم احادیثی که از ائمه اطهار علیهم السلام در این باب وارد شده است بیاوریم دیدیم که مسئله وضوء در بین پیروان ائمه اطهار از آن واضحتر است؛ اما احتیاج به آوردن که چند حدیث باشد؛ صرف نظر کردیم؛ نمیخواهیم هیچ مذهبی را تأیید یا نقیض کنیم؛ عموم مسلمانان را بکتاب الله سبحانه یکتا تعالی خلاق جهان هستی و ربّ العالمین دعوت میکنیم؛ که خوش بختانه رویه ائمه اطهار صد درصد با وضوء آن موافق است! تا چنانکه در مسئله وضوء معلوم شد؛ و تبعیت دگران مرد اطمینان نیست والسلام!!!

مَنْ طَلَبَ الْهُدَىٰ فِي غَيْرِ الْقُرْآنِ أَضَلَّهُ اللَّهُ (رسول الله ص) بحار انوار جلد ۲ ص ۲۵

ترجمه: هر کسی هدایت را از غیر قرآن بخواهد الله او را گمراه کرده است

وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ
عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدُ
الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٣٨﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
﴿٣٩﴾ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾ فَاِمَّا نَذْهَبَنَّ
بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾ أَوْ نُرِيكَ الَّذِي وَعَدْنَا لَهُمْ فَأِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾
فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ
وَسَوْفَ نَسْأَلُكَ عَنْهُ ﴿٤٤﴾ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ
آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾ (قرآن کریم سوره الزخرف آیات از ۳۶ الی ۴۵)

ترجمه: الله تعالى فرمود! هر کسی از قرآن الله رحمان اعراض کند؛ شیطان را بر او رفیق قرار میدهم برای او دمسازی باشد! بدرستی که بدون شک آنها ایشان را از الله باز میدارد؛ مپندارد که از هدایت شدگان هستند! تا وقتیکه با رفیق و دمسازش بحضور الله میآید خطاب بشیاطات میگوید: ایکاش فاصله تو با من فاصله دوری مشرق و مغرب میبود چه بدر رفیق دمسازی هستی! در آن زمان؛ الله تعالى میفرماید: امروز هرگز پشیمانی برای شما سودی ندار؛ برای اینکه ظالم تر بودید؛ در حقیقت شما در عذاب هم مشترک هستید! الله خلاق فرمود: ای محمد! پس آیا تو میتوانی کران را شنوا بکنی؟! یا کوران را بینای بکنی؟! او یا کسی را که همواره در گمراهی اشکاری است؛ راه نمایی بکنی؟! پس اگر ما تو را از دنیا ببریم پس بدرستی که از ظالمان انتقام خواهیم گرفت! یا اگر آنچه را به آنان وعده داده ایم بتو نشان بدهیم؛ بدرستی که بدون شک ما بر ظالمین قدرت داریم! پس آن کتاب قرآن که بسوی تو وحی شده بچسب؛ چنگ بزن؛ بدرستی که تو بر راه راست الله هستی! بدرستی که

آن قرآن برای تو و برای قوم تو راه رویش و نصیحت است زود باشد در روز قیامت قرآن از تو و از قوم تو پرسیده خواهد شد! پیرس از آن اهل کتاب رسولانی که هستند؛ پیش تو فرستادیم، آیا جز الله رحمان خدایانیکه مورد پرستش قرار بگیرند؟! مقرر در برابر الله داشته ایم؟!!

دنیانی توتوب چوخ دمه جتنده منیم دی = محشرده دوروب جنگ؛ جدال ایلماق اولماز

بیدار اولوسان قبردن غفلت یوخوسنان = اوندان سورا دنیانی خیال ایلماق اولماز

أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (٤٥) (قرآن کریم ازسورة العنكبوت آیه ٤٥)

الله سبحان احد فرمود: ای محمد: آنچه از کتاب قرآن بسوی تو وحی شده است بخوان؛ و نماز را برپا دار؛ بدرستی که که نماز انسان را از کار زشت و ناپسند باز میدارد؛ و قطعاً ذکر قرآن الله بالاتر است؛ و آنچه کارهای را انجام میدهد الله میداند
وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (٥٦) (قرآن کریم سورة الذاریات آیه ٥٦)

الله سبحان فرمود: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا (الله) عبادت و بندگی کنید!

بخاک افتاده قرآن از شما امداد می خواهد = در این تد بیریک دانشور استاد می خواهد

بیاید تا جوابش را دهیم لبیک یا قرآن = که یک امریست از ما خالق قهار می خواهد

اشعار دشمن راه نبی دین و قرآن خدا شیطانها

دشمن راه نبی دین خدا است شیطانها = دشمن راه هدایت بشر است شیطانها

گاهی عابد شود و راه غلط یاد بدهد

گاهی زاهد شود و تغییر راه بدهد

گاهی عالم شود و دین تو برباد بدهد = صد هزار چهره و نیرنگ بدهد شیطانها

هان شیطان بگیرد که ز دست قرآن
در عوض می دهدت طنّ خیال و کفران
بردر کفروضالّ میشوی آخر حیران=راه گمراهی و الحدا بدهد شیطانها
هان که از علم قرآن دوری گمراه بشوی
آن مرکز وحی و دین هادی بیزار بشوی
آن زمان از نبی و سنّت بیکار بشوی=کارها فلسها هاهان که دهد شیطانها
هان شیاطین دوپا دین را ویران کردی
کرده گمراه همه را فاسد خسران کردی
پازده بر شرف و خون شهیدان کردی = نسل انسان فساد کردی لعن شیطانها
داد شیطان فریب جدّ بنی آدم را
وعده ها داد به او دور کند برهان را
تا فریبد همه جا و همه حال انسان را= فقر فرهنگ و نیرنگ دهد شیطانها
گفت: ابلیس خدایا من گمراه کردی
سجده کردن به گل و آدم رسوا کردی
از بهشت رانده شدم لعنت عقبا کردی= نگذارم که بیایند به رهت انسانها
راه دین را متغیّر بدهم بر انسان
نگذارم که بیایند طرف این قرآن
جهل را یاد بدهم و دور کنم از هرفرقان= یاددیم جعلی روایت؛ خبر من همه شیطانها
گفت: الله که ای کافرو کذاب لعین و دهر
تابغین خود؛ باخودتان سوق دهی قهر سقر
دشمن روح الهی شدی عمر سربسر= شعیانت در جهان مثل تو شد شیطانها
این همه مذهب گمراهی که شیطانها ساخت
اینقدر راه و روش هست که شیطانها ساخت
دین و ناموس و شرفرا همه شیطانها باحت= پیشوای همه گمراهی والحاد؛ فساد شیطانها

بعلم باعور که سامری موسی بشود
شره قاضی گهی رشدی سلماش بشود
گاه سادات گهی عالم یکتا بشود=شاه شیطان شود چاپ کند قرآنها
رهبر انس شیاطین دوپا ابلیس است
کفرخوانان مقدس نما ابلیس است
سنگ انداز به تعلیم قرآن ابلیس است=هان کسی پیرو قرآن نشود شیطانها
این شیاطین دوپا پیرو ابلیس است دان
می دهند میز ریاست که کند چون حیوان
هان شیاطین زجن است وهم از انسان=شکل انسان ولی چون عملش شیطانها
همه دنیا پرستان که بدان شیطان است
ثروت اندوز وریاست طلبان شیطان است
خون برزبان وشهوت طلبان شیطان است=جهل وبدبختی وفقری بدهند شیطانها
گهی عباس قمی گمراه وبیدین است دان
کفر را در عوض دین بنویسد جناتان
پیر کفتار یهودی که بود ضد قرآن=دان بوداین گرگ شود؛ چون همه شیطانها
گفت: عیسی مسیح هان که یهود ابلیس است
هم خودهم پدرش ابن همان ابلیس است
خون بریزان و شهوت طلبان ابلیس است=خائن ودشمن ناموس یهود؛ در همه دورانها
دشمن انجیل و تورت و قرآن است یهود
دشمن لوط و ابراهیم وموسی است یهود
دشمن خالق وسبحان الله واحد؛ است یهود=مثل خنزیرومیون شده است در همه دورانها
مادر ادزوسفلیس وزنا بوده وشیطان یهود
هم زر اندوز وثروت طلب و؛قارون یهود
مثل خوک وخرس وتمساح شده جلا دیهود= لاش خور؛ روبه وگرگ وبود یهود شیطانها

هان یهودگوشت و خون غیریهود را بخورد
باز روز فساد خون مسلمان و مسیح را بخورد
عرض و ناموس و شرف غیرت انسان ببرد = این همه فاسد و خسران کرد؛ لعین شیطانها
گاهی خون خوار و منافق عمل و گاه ریا
گاه دین ساز کند گاه فریب کار و ریا
گاه بر قتل تو فتوا بدهند اصغریا = دشمن دین قرآنی تو بُوَد؛ شیطانها

نکته گفتن پیش کز فهمان ز حکمت بیگمان

گوهری چند از جواهر ریختن پیش

خراست

بدبخت کسیت که پیوری پیر عقل شد = خوش بخت کسیت که کرّه خرامدالاغ رفت

غریزم هر دیوانه ایاق یوی نردوانه زرقدین زرگر بولر نیولر هر دیوانه

سوگلر آخار گدر وریاتی یخار گدر دنیا بیر پنجره دی هر گلن باخار گدر

یاد دادند قرآن را یا پیش نباید کرد یا تهمت شیطانها اندیشه نباید کرد

هرگاه ببارد سنگ از ضربت از نیرنگ مانند کوه استادن سستی نباید کرد

سنگ بزنند بر تو چون شیشه نباید باش ای اصغریا خود را فولاد چو باید کرد

چانسا صور اصرافل که بیدار اولسا ملت

آیلماز خواب غفتن بیزم بویخبر ملت

هجری قمری ۱۴۴۳

تاریخ هجری شمسی ۱۴۰۰

تاریخ میلادی ۲۰۲۲

مؤلف وگراوری عزیزاله اصغری